

بحث مختصری درباره چگونگی تأثیر عوامل

جسمی در روحیه مجرم

وقتی که موجودات زنده این جهان پهناور را مورد توجه و دقت قرار میدهیم در هیچ موجودی بقدر انسان تنوع و اختلاف نمی‌بینیم.

دو نفر هر چند هم قرابت نژادی و تشابه اخلاقی زیاد با هم داشته باشند ممکن نیست از لحاظ اعتیادات و خصوصیات روحی یکسان باشند.

یکی طرفدار اجتماع است و میل دارد همیشه با جمعیت کار بکند و دیگری بعزلت و گوشه نشینی متمایل است و از جمعیت فرار میکند و دوست دارد بطور انفرادی و انزوا زیست نماید.

یکی آنقدر با هوش است که با فکر و فراست خود اختراع میکند. در تحولات اجتماع عامل مؤثر واقع میشود و دیگری آنقدر کودن و بی شعور است که تمیز بین خوب و بد را ندارد.

در امور جزائی سر و کار قضات با چنین موجوداتی است. افرادی که دارای ساختمان جسمی و روحی بسیار غامض و بغرنج هستند در عین حال هر یک از آنها از حیث ساختمان جسمی و روحی با یکدیگر متمایز می‌باشند.... این نوع اختلاف بهت آور در ساختمان جسمی و روحی اشخاص از کجا به وجود آمده؟

چه تناسبی بین قوای جسمی و روحی انسان موجود است؟
آیا عوامل جسمی و روحی تا چه حد در اعمال و رفتار انسان تأثیر دارد؟
این تأثیر اگر واقعیت داشته باشد بچه کیفیتی است؟
اینها پرسشهایی است که هنوز معرفت و دانش بشر نتوانسته است پاسخ صحیح و مقنعی بآن بدهد.

با وجود این دانشمندان علم روانشناسی و علم بیماریهای روحی در اثر تبعات و بررسی‌های زیاد در طبیعت تا اندازه‌ای پی بساختن روحی و جسمی انسان برده و تأثیر عوامل جسمی را در حالات روحی بطور کلی تا حدودی بشبوت رسانیده‌اند.

مثلاً یکی از دانشمندان بزرگ حقوق جزا از بزهکاران چند زندان بزرگ انگلستان تحقیقات و بررسی‌های پزشکی بعمل آورده و با استفاده از آمار وزارت بهداشتی دولت انگلستان مقیاسی از چگونگی ساختمان بدنی اشخاصی بدست آورده. سپس ساختمان بدنی اشخاص بزهکار را با اشخاص عادی مقایسه نموده است از نتیجه این مقایسه معلوم شده است که شخص مجرم نوعاً ضعیف‌تر ولی توانا تر از اشخاص عادی می‌باشد.

بحث مخصوص درباره چگونگی تأثیر عوامل

از آمار جنائی کشورهای مختلف میتوان فهمید که :
اولاً این جرائم ، جرائم بر ضد اموال از قبیل سرقت و غیره است .
ثانیاً بیشتر مجرمین هم علیل و فاقد صحت و سلامت می باشند .

برای توجیه این موضوع ممکن است گفته شود که شخص ضعیف نمیتواند مانند دیگران کار کرده و زندگی خود را تأمین نماید لذا افشار سادی و تنگی معیشت او را به تبهکاری سوق میدهد . باین معنی که چون فاقد صحت و سلامت است بر خلاف مردم عادی عاجز از کار کردن بوده و از راه صحیح نخواهد توانست امرار معاش نماید .

این موضوع از یکطرف ولی از طرف دیگر تکلیفی را که نسبت بمعیشت خود و خانواده اش دارد او را ناراحت نموده بهر شکلی هست باید در ایفای آن و تأمین معاش خود و خانواده اش چاره ای بیاندیشد و چون از طریق عادی و مشروع نمیتواند در مقام چاره جوئی برآید ناگزیر بوسائل نامشروع متوسل شده نتیجه بدامن فساد و تبهکاری افکنده می شود .

همچنین بیماری در ایجاد زمینه در روحیه شخص جهت گرایش وی به ارتکاب بزه چنانچه تأثیر مستقیم نداشته باشد من غیر مستقیم دارای نفوذ و مدخلیت زیادی است .
امروزه این امر که اخلاق و روحیات انسان کم و بیش تحت تأثیر بیماری واقع میگردد بخوبی بشوت رسیده است .

یکی از پزشکان قانونی امریکا پس از تحقیق و بررسی در اخلاق و روحیات و اوضاع جسمانی « ۱۵۲۱ » تن از بزهاران یکی از کشورهای ایالات متحده امریکا چنین اظهار عقیده می نماید :

« تبهکاران و اشخاص مختل الشعور غالباً به بیماری سینه گرفتارند .
اختلال عصبی بیشتر از بزهاران دیده شده است . و تقریباً ۱/۳ از مجرمین را مبتلا به بیماری چشم معرفی نموده است . »

ممکن است تصور نمود که قسمتی از این بیماریها ناشی از وضعیت نامساعد زندان بوده باشد و اشخاص مزبور پیش از ورود بزندان گرفتار اینگونه بیماریها نبوده اند !
ولی پزشک مزبور این موضوع را بدقت بررسی و مورد تحقیق قرار داده و نتیجه گرفته است که وضعیت زندانها موجه بیماری نبوده بلکه پیش از ورود بزندان گرفتار بیماری بوده اند .